

## اپرا در کشورهای متحد آمریکا

برای روشن شدن ذهن خوانندگان شایسته است بحث در اطراف موضوع اپرا در آمریکا با گفتگو درباره مفهوم اپرای آمریکا آغاز کنیم. بطور کلی مفهوم اپرای آمریکا با اپرای فرانسه و با اپرای آلمان تفاوتی ندارد مفهوم اپرای آلمان یا فرانسه ابراهامی است که توسط آهنگسازان این کشورها ساخته شده و گذشته از اختلافات فردی در استعداد و طبع دارای مشخصات بخصوص ملی میباشد.

باید افزود که کشورهای فوق‌الذکر آداب و سنن خود را در رشته اپرا برای چندین قرن حفظ کرده‌اند و چیزی که موجب شده ساخته‌های هنری یک کشور از کشور دیگر متمایز گردد و رنگ ملی بخود بگیرد همان آداب و سنن و ادامه فرهنگ و ادب در زمان و مکان است.

هنر موسیقی آمریکا بالنسبه جوان میباشد و در بین شعب و جنبه‌های مختلف این هنر اپرا جدیدترین آنها است که اخیراً توضیح گرفته و مشخصاتی پیدا کرده است. بدیهی است که سرانجام اپرای آمریکا مانند تمدن این کشور پیشرفت خواهد کرد و بعنوان نوع خاص و برجسته‌ای از اپرا مورد شناسایی قرار خواهد گرفت.

ولی در حال حاضر ما مراحل اولیه این رشته را طی میکنیم و همینطور که از عنوان این مقاله میتوان استنباط کرد این بحث راهنمایی برای آینده است.

بهترین راه برای اندیشیدن راجع به اپرای «ملی» در نظر گرفتن موضوعات ملی اعم از تاریخی و افسانه‌ای و ادبی و یا مطالبی است که از «فولکلر» (ادبیات و آداب و سنن عامیانه) و با زندگی واقعی و حقیقی روزانه گرفته شده است. «ژول-ماسنه» موسیقیدان فرانسوی زمانی بیک موسیقیدان آمریکایی اظهار داشت: «اگر



صحنه‌ای از اپرای « د بلاد آبی بی بی دو » از ساخته‌های دو سلاسل مور

من امریکائی بودم شکوه و جلال مناظر این کشور مانند آبشار نیاکارا و مرغزارهای زیبارا مورد ستایش قرار میدادم، زندگی مردم در شمال و جنوب این کشور الهام بخش من میشد و زیبایی زنان امریکائی مرا از خود بیخود میکرد. چه، انگیزه موسیقی ملی همواره محیط ملی است.

ولی باید گفت که محیط ملی همیشه انگیزه پیدایش موسیقی ملی نیست. چه اگر چنین بود امریکاییان قبل از اواسط قرن بیستم برای ملی خود را بوجود آورده بودند در حالیکه موسیقی ملی امریکا منجمله برای آن‌ها اخیراً بنصه ظهور رسیده است. آهنگسازان از موسیقی پیش از محیط الهام میگیرند. هنگامیکه بیزه برای کارمن را ساخت اسپانیا را نیشناخت ولی کتابی از کتابخانه کنسرواتور پاریس بامانت گرفته بود که حاوی آوازه‌های اسپانیائی بود. چنانچه این آهنگها الهام بخش وی نمیشدند و تا این درجه در وی تأثیر نمیکردند محیط اسپانیا برای وی فایده چندانی نداشت. تنها محصور بودن در محیط ملی برای آهنگساز کافی نیست.

بدیهی است که هر قدر هنرمند بیشتر بتواند این محیط را جذب کند بهتر است ولی علاوه بر این بعضی از جنبه‌های آهنگهای ملی باید استعداد خلاقه وی را تحت تأثیر و نفوذ قرار دهد و این تأثیر چنان عمیق و بر قدرت باشد که منجر به ایجاد يك اثر خلاقه شود. باز تکرار میکنم که موسیقی اصلی در قلب و مغز يك چنین تلافی و برخوردی جای دارد و همواره زبان يك کشور با تمام تنوعات و لهجه های مختلف آن با موسیقی آن کشور توأم است. چه اپرا ترکیبی است از موسیقی و زبان بنا بر این برای

ساختن آن باید از این دو منبع الهام گرفت همانطور که آهنگسازان امریکائی چنین کردند. حال قبل از پرداختن بمطالب دیگر بهتر است نظری بگذشته بیفکنیم. اولین اپرا در امریکا در سال ۱۷۳۵ ساخته شد. نام این اپرا فلورا، یا «هاب این د ول» Hob in the Well بود که تصانیف آن بزبان انگلیسی سروده شده بود و در چارلستون واقع در کارولینای جنوبی بعرض نمایش گذارده شد. در سال ۱۷۹۴ جیمز هویت (James Hewitt) اپرانی بنام تامامانی (Tammany) در نیویورک نمایش داد که تصانیف آن راجع به رئیس یکی از قبائل سرخ پوست بنام تامامانی سروده شده است. اپرای آرچرز (Archers) یا کوه نشینان سوئیس در سال ۱۷۹۶ توسط بنجامین کار (Benjamin Carr) ساخته شد. اولین آهنگسازانی که به تنظیم اپراهای بزرگ دست زدند جرج فردریک بریستو (George Frederick Bristow) (۱۸۹۸-۱۸۲۵) و ویلیام هنری



نمای خارجی اپرای مترو پولیتن نیویورک که در سال ۱۸۸۳ میلادی یافت.  
این اپرا یکی از بزرگترین سازمان‌های اپرایی جهان است



صحنه‌ای از اپرای « پریمی اندیس » اثر جرج گرشوین

فرای ( William Henry Fry ) ( ۱۸۶۴-۱۸۱۳ ) بودند . ویلیام فرای یک موسیقیدان آماتور و روزنامه‌نگار و قهرمان موسیقی امریکا بود ولی هنگام ساختن اپرای لئونورا ( Leonora ) در سال ۱۸۴۵ از یک دفتر نت‌نگار که براساس یک داستان انگلیسی نگارش بولدریتون ( Bulwer — Lytton ) تنظیم شده بود استفاده کرد نام این کتاب لیدی لیونز ( Lady Lyons ) و اتفاقات آن در فرانسه روی می‌دهد بنابراین در ساختن این اپرا ویلیام هنری تحت تأثیر محیط ملی واقع نشده‌است .  
ولسی بریتو بعکس یک موضوع امریکائی یعنی داستان ریپ وان وینکل ( Rip van Winkle ) اثر واشنگتن ابروینک ( Washington Irving ) نویسنده امریکائی را موضوع اپرای خود قرار داد و در سال ۱۸۵۵ آنرا در نیویورک بروی صحنه آورد . فرای و بریتو هر دو در ساختن آهنگهای خود از آهنگسازان اروپائی آنزمان مانند بلینی و روسینی تقلید میکردند و باینجهت اپراهای این دو آهنگساز را تنها بطور سطحی میتوان امریکائی خواند چنانکه ما به آنها عنوان بقایای بی‌روح گذشته را اطلاق کرده‌ایم .

جنبه دیگر تحویل و تحول اپرای امریکا در نتیجه علاقه و توجه روز افزون آهنگسازان امریکائی به محیط ملی کشور خود که از در بازار خارجیان را مجذوب کرده بود صورت گرفت . مخصوصاً داستانهای جیمز فینور کوپر نویسنده امریکائی بنام « لدر استاکینگ تیلز » ( Leatherstocking Tales ) بی اندازه جلب توجه آهنگسازان خارجی را کرد بطوریکه در سال ۱۸۵۳ که لوئیجی آردیتی ( Luigi Arditi )

آهنکساز ایتالیایی به نیویورک مسافرت کرد ابرای لا اسپیا (La Spia) را از روی یکی از داستانهای کوپر بنام د اسپای (The Spy) تنظیم نمود.

در این جا منظور سرخ پوستان امریکائی می باشد که تصورات و افسانه ها و آداب و سنن و رقصهای آنها مورد توجه و مطالعه دقیق هنرمندان و نویسندگان امریکائی اواسط قرن نوزدهم قرار گرفت.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم موسیقیدانان امریکائی نیز به - موسیقی و طرز زندگی قبائل سرخ پوستان امریکائی توجه نشان دادند و در نتیجه در موسیقی این کشور جنبشی روی داد که آنرا جنبش ایندیانیست (Indianist) مینامند. ایسن جنبش باعث شد که آناری مانند آزورا دختر مونتروما (Azora Daughter of Montezuma) ساخته کیمبال هادلی (Kimball Hadley) و پویا (Poia) (۱۹۰۹) اثر آرتور نوین (Arthur Nevin) که از افسانه بلاک فوت ایندیانر (Blackfoot Indians) اقتباس شده و ناتوما (Natoma) (۱۹۱۱) اثر ویکتور هربرت (Victor Herbert) و دو ابرا بنام شانویس (Shenewis) و سانست تریل (Sunset Trail) از آثار چارلز ویکفیلد کادمن (Charles Wakefield Cadman) بوجود آیند.

در سال ۱۹۱۰ ابرای متروبولیتن امریکا کم درهای خود را بروی ابراهای امریکائی باز کرد و ابرای پایپ آف دیزایر (Pipe of Desire) از ساخته های فردریک شفرد (Frederick Shepherd) را به معرض نمایش گذاشت. در سال ۱۹۱۲ مونا (Mona) اثر هوراتیو پارکر (Horatio Parker) و در سال ۱۹۱۸ شانویس را بروی صحنه آورد از جمله ابراهائی که در متروبولیتن بروی صحنه آمد و موفقیت زیادی کسب کرد ابرای کینگ هنجمن (King Henchman) (۱۹۲۷) و ابرای پیترا ایبتسون (Peter Ibbetson) (۱۹۳۱) را میتوان نام برد که آهنکهای هر دو توسط دیوید تیلر (Deems Taylor) ساخته شده و هر دو بسبب رماتیکی است و از لحاظ موسیقی و همچنین از لحاظ دراماتیک از محیط ملی امریکا کاملا دور میباشد.

در سال ۱۹۳۰ ابرای متروبولیتن بنهیه دو ابرای مهم همت گماشت که میتوان از حیث کیفیت آنها را « امریکائی » خواند این دو عبارتند از ابرای امپروور چانز (Emperor Jones) از ساخته های لوئیس گروبرگ (Louis Gruenberg) (۱۹۳۳) و ابرای مری مونت (Merry Mount) از ساخته های هوارد هانسون (Howard Hanson) (۱۹۳۴) ابرای مری مونت بر اساس جنبه های مختلف زندگی پیروان یکی از فرق مذهب مسیح بنام پیوریتان (Puritan) در مستعمره نشین های امریکا ساخته شده و ابرای امپروور چانز از روی یکی از داستانهای یوجین اونیل (Eugene O'Neill) اقتباس گردیده. این کتاب سرگذشت یک امریکائی سیاه پوست است که بجزایر هند غربی مسافرت میکند و آنجا شیاطین و ارواح ناپاک او را

از پای در میآوردند. اپرای کروئیک از این نظر که نماینده زندگی عوام است و شامل موسیقی افریقایی - امریکایی است از دیگری مهم تر بشمار میرود.  
میتوان گفت که اپرای ملی امریکایی ده سال یعنی از ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ بسنخه ظهور رسید.

غیر از پراهامی که ذکر آنها رفت یکی از مهم ترین پراهامی که در این دوره ساخته شد و با موفقیت زیادی رو برو گردید عبارتست از اپرای پورگی اندیس (۱۹۳۵) (Porgy and Bess) که جرج گرشوین آهنگساز مشهور آنرا ساخته است. جرج گرشوین در آغاز کار خود را با ساختن تصانیف مورد پسند عامه و کمندی موزیکال ها شروع کرد تا اینکه در سال ۱۹۲۴ با ساختن « راپسودی این بلو » (Rhapsody in Blue) موفقیت شایانی کسب کرد و کار آهنگسازی را پیشه خود نمود و با ساختن قطعاتی از موسیقی باستانی همت گماشت و کوشش کرد که آنها را با اصطلاحات روز و وزنهای زنده و باروح بصورت جاز امریکایی ب مردم عرضه دارد.

معانی و مفاهیم موسیقی افریقایی - امریکایی گرشوین را سخت تحت تأثیر قرار داده بود بطوریکه در خود کشش مخصوصی نسبت به این نوع موسیقی احساس میکرد. این جاذبه و کشش توأم با جنبه بشری و دراماتیک کتاب دو بوس هیوارد (Du Bose Heyward) که درباره زندگی سیاهپوستان جنوب است در ساختن اپرای « پورگی اندیس » الهام بخش وی شدند. این اپرا از لحاظ نمایی و موسیقی بقدری زنده و باروح است و جنبه های بشری و انسانی بعدی در آن یافت میشود که در سراسر دنیا پیروزی کم نظیری کسب کرد و برای اجرا کنندگان سیاهپوست آن شهرت و افتخار آورد.

دنباله و پایان در شماره آینده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی